

**Research Article**

## **A Survey of the Applications of Futurology in Public Policy<sup>1</sup>**

**Mehdi Rezaei Qadi<sup>1</sup>, Hossein Rafie<sup>2</sup>**

<sup>1</sup> PhD. in Public Policy, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).  
Rezaei.mehdi2020@yahoo.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.  
h.rafi@umz.ac.ir

### **Abstract**

The purpose of the present study is to survey the applications of futurology in public policy. To this aim, a descriptive-analytical method was used to explore the necessity of futurology as an interdisciplinary realm of study in political science, the applications of futurology in public policy as well as the differences between these two categories, the implementation methods of future studies in society, and their key objectives. The results showed that in general, futurology and policy are in line with each other but they have basic differences in their premises. In other words, if in public policy and planning we take futurology into account, much better efficient results will be achieved in the country because future studies and policy follow common objectives in their heart, that is to say, building a better future. If public policy in a country is organized based on the results of futurologists' research, it will have tremendous contribution to the development and performance of the organizations within society. Future research in political studies is the outcome of fundamental values. It means that futurology should originate from basic norms. Although these norms involve people's beliefs and ideas, they need to turn into a form of general and prevailing law in order to be considered fundamental values.

**Keywords:** Futurology, Public Policy, Foresight.

---

\* **Received:** 2018/08/16 ; **Accepted:** 2021/03/10

\*\* Copyright © the authors

## بررسی کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری عمومی<sup>۱</sup>

مهدی رضایی قادی<sup>۱</sup>، حسین رفیع<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکتری سیاست‌گذاری عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). Rezaei.mehdi2020@yahoo.com  
<sup>۲</sup> دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. h.rafi@umz.ac.ir

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری عمومی است. در این راستا، با روش توصیفی-تحلیلی، ضرورت به کارگیری آینده‌پژوهی به منزله یک قلمرو میان‌رشته‌ای در مطالعات علوم سیاسی، کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری‌های عمومی و نیز تفاوت‌های این دو مقوله و روش‌های اجرای آینده‌پژوهی در جامعه و اهداف کلیدی آن بررسی شد. نتایج نشان داد که در حالت کلی، آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری در یک راستا می‌باشند، با این تفاوت که در پیش‌فرض‌ها با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. به عبارت دیگر، اگر در سیاست‌گذاری‌های عمومی و برنامه‌ریزی‌ها، آینده‌پژوهی را دخیل کنیم، به نتایج و بازدهی بسیار بیشتری در نظام خواهیم رسید، زیرا آینده‌پژوهی به ساختن آینده می‌پردازد و سیاست‌گذاری نیز در بطن خود به دنبال همین هدف است. حال اگر سیاست‌گذاری‌های عمومی یک کشور براساس نتایج به دست آمده از تحقیقات آینده‌پژوهان سازماندهی شوند، مطمئناً به پیشرفت و عملکرد کشور یا هر نوع سازمانی کمک شایانی خواهد کرد. آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی، محصول ارزش‌های اساسی است. بدین معنا که آینده‌پژوهی باید ریشه در ارزش‌های اساسی داشته باشد. این ارزش‌ها هرچند شامل اعتقادات و باورها می‌شود، ولی برای تبدیل به ارزش‌های اساسی، باید به صورت قانون درآمد و عام و فراگیر باشد.

**کلیدواژه‌ها:** آینده‌پژوهی، سیاست‌گذاری عمومی، آینده‌نگاری.

## ۱. مقدمه

آینده‌پژوهی در ابتدای سده بیستم در اندیشه‌های اندیشمندانی چون والز<sup>۱</sup> مطرح گردید و در دهه ۱۹۴۰ میلادی نخستین پروژه آینده‌پژوهی به شکل موفقیت‌آمیزی انجام شد. اما دانش آینده‌پژوهی به شکل امروزی آن، پس از پایان جنگ جهانی دوم در اندیشکده رند<sup>۲</sup> شکل گرفت. در این اندیشکده، این دانش به یک رشته علمی و دانشگاهی مبدل شد. آینده‌پژوهی تلاشی نظام‌مند و علمی از آینده و سیاست‌گذاری پیش‌نگر بوده و به دنبال آن است که به چه شکلی از فرصت استفاده کنیم و برای آینده به کار گیریم (عبدالرحیم و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۷). در آینده‌پژوهی، روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عمدتاً سیاست‌گذاری‌های بلندمدت نظام سیاسی، از روش چشم‌انداز استفاده می‌شود. دستیابی به آینده مطلوب یکی از اساسی‌ترین آرمانهای دانشمندان علم سیاست است. از بدو پیدایش نخستین نمودهای خردورزی و بینش سیاسی در یونان باستان تاکنون، سوق دادن جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های سیاست‌پژوهان و سیاست‌گذاران بوده است. با توجه به این مهم، هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آینده‌پژوهی چه کاربردهایی در سیاست‌گذاری عمومی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال نخست آینده‌پژوهی و ماهیت آن مورد بحث قرار گرفته، سپس رابطه آینده‌پژوهی و علم سیاست بررسی شده است.

## ۲. چرا باید آینده را مطالعه کرد؟

امروزه پیشرفت‌های فناوری بر سرعت تغییرات افزوده‌اند. افزایش وابستگی متقابل مردم و کشورها و همچنین تمرکززدایی جوامع و سازمانهای ملی، که فناوری اطلاعات در رشد آنان بی‌تأثیر نبوده است، همگی دست به دست هم داده‌اند تا سایر حوزه‌های زندگی ما را دگرگون سازند. پس از جنگ سرد، مرزهای سیاسی و اقتصادی، سیستم‌ها و وابستگی بین کشورها دستخوش تغییر شد، چرا که همه می‌خواهند در عین حفظ هویت ملی، قومی و فرهنگی خود، بخشی از جامعه اقتصاد جهانی به شمار روند. اگرچه امروزه خطر وقوع

1. Wales

2. RAND Corporation

یک جنگ تمام عیار هسته‌ای بین آمریکا و شوروی سابق به شدت کاهش یافته، هنوز معضل تروریسم هسته‌ای به قوت خود باقی است و در کنار آن مسائلی همچون «توسعه پایدار» و «حفظ محیط زیست» رنگ و آب تازه‌ای به خود گرفته‌اند. از این رو ضروری است دولت‌ها، سازمانها و مردم مفهوم تغییر و آینده را بهتر درک کنند، چرا که همه ما در دنیایی زندگی و کار خواهیم کرد که از جهات مختلف و مهمی با آنچه امروزه می‌بینیم، متفاوت خواهد بود. هنگامی که مردم درک بهتری از تغییر به دست آورند، برای تأثیرگذاری مثبت بر آینده‌ای که در حال تکوین است، فرصت‌های بیشتری خواهند داشت.

### ۳. آینده‌پژوهی

به تعبیر و ندل بل، آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> به دنبال مطالعه نظام‌مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است. آینده‌پژوهی انتخاب‌های مختلفی را راجع به آینده پیش روی افراد و سازمانها قرار می‌دهد و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کند (بل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). سهیل عنایت‌الله معتقد است علاوه بر مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب، آینده‌پژوهی به دنبال شناسایی جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌هایی است که به هر آینده‌ای شکل می‌دهد (عنایت‌الله<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آینده‌پژوهی آن است که آینده ممزوج با عدم قطعیت، رخدادهای غیرمنتظره و مسائل نوظهور<sup>۴</sup> است. با توجه به چنین ماهیتی، چگونه می‌توان روندها و رویدادهای آینده را فهمید و آمادگی رویارویی با آنها را بوجود آورد؟ پاسخ به این مهم را براساس ماهیت ترکیبی<sup>۵</sup> آینده‌پژوهی می‌توان به این صورت تبیین کرد. آینده‌پژوهی از دو مولفه متمایز توصیفی و تجویزی تشکیل شده است. در قلمرو توصیف، آینده‌پژوه همچون دیگر محققان در همه شعبه‌های علوم جدید با استناد به شرایط اولیه زمان حال و شرایط حدی و مرزی مربوط به محیط و با تکیه به نظریه‌هایی که در قلمرو

1. Futures Studies

2. Bell

3. Inayatolloah

4. Emerging issue analysis

5. Hybrid

فعالیت خویش در اختیار دارد و یا ابداع می‌کند، ابتدا به توصیف آینده‌های ممکن الوقوع اقدام کرده و آنگاه از میان این آینده‌های ممکن الوقوع، محتمل‌ترین آنها را با بهره‌گیری از انواع روش‌های کمی و کیفی، مشخص می‌سازد. سپس در قلمرو تجویز، دانشمند آینده‌پژوه می‌کوشد با توجه به محتمل‌ترین رویدادها و روندهایی که شناسایی کرده، شرایط و راهکارهایی را برای تحقق مطلوب‌ترین آنها توصیه کند. در این حال گزاره‌هایی که از جانب آینده‌پژوه پیشنهاد می‌شوند، جنبه توصیفی نخواهند داشت، بلکه در قالب تجویزهایی که رابطه میان اهداف و وسایل را بازگو می‌کنند، ظاهر می‌شوند (پایا، ۱۳۸۲).

بر این اساس یکی از مهم‌ترین مفروضات آینده‌پژوهی، نگاه طیفی و کثرت‌گرا به آینده است. به عبارت روشن‌تر، در آینده‌پژوهی تنها با یک آینده متعین روبه‌رو نیستیم، بلکه همواره طیفی از آینده‌ها، پیش روی سیاست‌پژوه و سیاست‌گذار وجود دارد. آینده‌پژوهان با ارائه توصیف‌ها و تجویزهایی در خصوص آینده، شرایطی را مهیاء می‌کنند که بتوان از میان طیف آینده‌های بدیلی<sup>۱</sup> که پیش‌رو قرار دارند، یکی را انتخاب کرد. این انتخاب زمینه رفتار کنش‌گرایانه و پیش‌دستانه<sup>۲</sup> را فراهم می‌کند. اما مبنای این انتخاب داشتن تصویری از آینده است. به باور ارسطو، تا هنگامی که تصویر آینده روشن نشود، طبیعت حکومت، کمال مطلوب نیز ناشناخته خواهد ماند (ارسطو، ۱۳۸۹).

به‌طور خلاصه، منظور از آینده‌پژوهی، شناخت آینده یا مطالعه آینده‌های ممکن و مطلوب یک جامعه است. اطلاعات اولیه ما برای این مطالعات، تاریخ و وضع فعلی بوده و در سیستم‌های دینامیکی متعارف شناخت اولیه برای پیشگویی آینده کافی است، اگرچه درباره سیستم‌هایی که دینامیک آنها قدری متفاوت است، حتی با این شناخت اولیه می‌توان گذشته را نیز تعیین کرد. اما در مورد سیستم‌های اجتماعی، شناخت شرایط موجود، گذشته را نیز دربرمی‌گیرد. از شناخت شرایط کنونی نمی‌توان گذشته را تعیین کرد، گرچه بتوان کلیات آن را تخمین زد. اما شناخت گذشته آینده‌های ممکن را محدود می‌کند. بنابراین، با احتمال زیادی می‌توان گفت که جامعه ما، با این گذشته‌اش که می‌شناسیم، چه مجموعه‌ای از آینده‌ها در انتظارش است. این که کدام یک از آینده‌های ممکن به وقوع بپیوندد، به

---

1. Alternative futures

2. Proactive

گام‌هایی بستگی دارد که ما اکنون یا در آینده برخواهیم داشت. بنابراین، گذشته هر قوم تغییرات آینده قوم را تعیین می‌کند (منصوری، ۱۳۷۷).

از جمله مهم‌ترین اهداف آینده‌پژوهی شامل:

- ۱) مطالعه آینده‌های ممکن
- ۲) بررسی آینده‌های محتمل
- ۳) بررسی تصویرهای آینده
- ۴) مطالعه بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی
- ۵) بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی
- ۶) تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال
- ۷) تلفیق دانش و ارزش برای طراحی اقدام اجتماعی
- ۸) افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی آینده و طراحی آن
- ۹) ترویج تصویر مطلوب آینده و حمایت از آن.

#### ۴. موضوعات کلیدی مطرح در آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهان تقریباً هر موضوعی را مطالعه کرده و با میلی که به رویکرد جامع‌نگر و سیستمی دارند، روابط بین تغییرات حوزه‌ای از زندگی را با حوزه‌های دیگر بررسی می‌کنند. با این وجود، برخی موضوعات نگاه‌ها را به سمت خود معطوف داشته‌اند. این موضوعات کلیدی عبارتند از:

مسئله بحران‌های کلان جهانی، صلح، مناقشه و جنگ، پایان برخورد غرب و شرق و جنگ سرد، نظام سازمان ملل متحد و حکومت بر جهان، روندهای جهانی اقتصاد، روندهای جهانی سیاست، چندپارگی اجتماعی، بازآفرینی اجتماعی و اثرات زیست‌محیطی فناوری‌های نو، روندهای آموزش و یادگیری، پارادایم‌های نوین علمی، تغییر پارادایم‌های فرهنگی و آداب و رسوم معنوی و مذهبی و روندهای مربوط به آنها.

#### ۵. روش‌شناسی آینده‌پژوهی

فایده روش‌های آینده‌پژوهی کشف، خلق و امتحان دیدگاه‌ها و آرمان‌های مطلوب و ممکن آینده است. داشتن یک آرمان برای آینده در اتخاذ سیاست‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌ها

می‌تواند احتمال وقوع آینده مطلوب را بیشتر کند. اگر این آرمان‌ها با روش‌های علمی امتحان نشوند، ضررهایی پدید می‌آید که ناشی از هدایت افراد به سوی اهداف و برنامه‌های غیرممکن است. با روش‌های پیش‌بینی می‌توان عواملی را که باعث ایجاد خلل در برنامه‌ها و عدم دستیابی به اهداف می‌شود، تعیین کرد. مهم‌ترین دلیل استفاده از روش علمی در آینده‌پژوهی این است که مشخص کنیم چه چیزهایی برای یک تصمیم‌گیری صحیح لازم است. به کمک این اطلاعات می‌توان فرض‌ها را مشخص کرد تا امتحان شوند و در صورت لزوم تغییر یابند.

روش‌های متعددی در آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری به کار گرفته می‌شوند. برخی از روش‌ها بیشتر در آینده‌پژوهی علم و فناوری قابل استفاده می‌باشند، مانند روش تحلیل ثبت اختراع. در مقابل، برخی روش‌ها خصلت اجتماعی بیشتری دارند و در موضوعات اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مانند روش سناریونویسی و دلفی. انواع روش‌های آینده‌پژوهی را می‌توان در دو دسته کلی قرار داد:

**روش‌های ارزشی:**<sup>۱</sup> این روش‌ها مبنی بر ارزش‌ها یا هنجارها هستند. در اینجا این سوال مطرح است که چه آینده‌ای را می‌خواهیم؟ یا اینکه چه چیزی برای ما مطلوب است؟ روش‌های ارزشی بیشتر مأموریت‌گرا هستند و با ارزیابی مقاصد نیازها و تمایلات آینده شروع می‌شوند و به زمان حال باز می‌گردند.

**روش‌های اکتشافی:**<sup>۲</sup> با این روش‌ها مشخص می‌شود که چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد. این روش‌ها از یک پایه معرفتی محکم آغاز می‌شوند و به سوی آینده مشخصی جهت می‌یابند.

## ۶. سیاست‌گذاری عمومی

از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به بعد، ابتدا در ایالات متحده آمریکا و سپس اروپای غربی، رشته جدیدی به نام سیاست‌گذاری عمومی<sup>۳</sup> وارد حوزه علوم سیاسی معاصر شد.

1. Normative methods

2. Explorative methods

3. Politique publique, Public policy

شاهد این گفته انتشار صدها و هزاران پژوهش و تحقیق در این زمینه به وسیله متخصصین این رشته جدید (جین کلود<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵)، تعداد فزاینده مجلات تخصصی این رشته در آمریکا و اروپای غربی و نیز شمار بسیار بالای مدارس، کالج‌ها و دانشگاه‌های جهان می‌باشد که به تربیت متخصص در این زمینه مبادرت می‌ورزند. بنابراین، شاخه‌ای بر شاخه‌های اصلی علوم سیاسی افزوده شده است.

از دیدگاه برور و دولتون<sup>۲</sup>، سیاست‌گذاری عمومی حاصل تغییرات جزئی و تدریجی در یک رشته کلاسیک دانشگاهی نیست، بلکه ایجادکننده زمینه‌ای جدید می‌باشد که در آن می‌توان تغییرات بنیادی در چشم‌انداز، جهت و روش تحقیق را مشاهده کرد (۱۹۸۳، ص ۶).

هنگام ورود به حوزه سیاست‌گذاری عمومی، پژوهشگر این سوال را که چه کسی حکومت می‌کند و چگونه؟ رها می‌کند تا به این پرسش که چگونه و به وسیله چه کسی یک خط‌مشی یا سیاست عمومی تهیه و اجرا می‌گردد؟ پاسخ دهد (لاگروی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸، ص ۴۳۷).

براساس تعریف فیلیپ برو، استاد علوم سیاسی دانشگاه سوربن، سیاست‌گذاری‌های عمومی، تجلی اراده حکومت در عمل (یا خودداری از عمل) می‌باشند و آنها را می‌توان به عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند، در نظر گرفت.

لورنس لول<sup>۴</sup>، صاحب کرسی علوم حکومتی دانشگاه هاروارد و رئیس انجمن علوم سیاسی آمریکا، از جمله اولین کسانی است که در سال ۱۹۱۰ همکاران خود را دعوت به تجربی و عملی کردن مطالعاتشان در حوزه علوم سیاسی می‌نماید. او می‌گوید: «ما بر این اعتقادیم که آزمایشگاه علوم سیاسی و مکان اصلی برای یافتن منابع بدیع، کتابخانه می‌باشد. ولی در مجموع، کتاب‌ها دیگر منابع اصلی علوم سیاسی نیستند، همان‌گونه که آنها منابع

1. Jean Claud
2. Brewer & DeLEON
3. Lagroye
4. Lawrence Lowell



اصلی زمین‌شناسی یا ستاره‌شناسی نمی‌باشند. مهم‌ترین آزمایشگاه برای شناخت عملکرد واقعی نهادهای سیاسی، کتابخانه نیست، بلکه دنیای خارج و ملموس زندگی سیاسی می‌باشد. آنجاست که باید به جستجو و مطالعه پدیده‌ها پرداخت و براساس این‌گونه مطالعات است که ما می‌توانیم در انتظار بزرگ‌ترین یاری، به توسعه علوم باشیم» (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲).

رشته سیاست‌گذاری عمومی همراه با مطالعه کاربردی، عملی و تجربی عملکرد دولت‌مردان زمینه را برای ایجاد ارتباط میان علوم سیاسی و دیگر رشته‌های اصلی علوم اجتماعی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و حتی فلسفه و قوم‌شناسی برای شناخت و بهبود خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها فراهم می‌سازد (همان).

برخی روش‌شناسان، مانند مادلن گراویتز<sup>۱</sup> همواره بر لزوم و اهمیت ایجاد چنین ارتباطی میان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی تأکید داشته‌اند.

حوزه عمومی همچون دیگر حوزه‌های علمی دربرگیرنده دو جهت اساسی و غیرقابل تفکیک می‌باشد: موضوع<sup>۲</sup> و روش<sup>۳</sup>.

موضوع، سیاست‌گذاری عمومی دولت می‌باشد. پس از اعمال سیاست‌های کینزی<sup>۴</sup> در زمینه اقتصاد از دهه ۱۹۳۰ به بعد و نیز توسعه دولت رفاه از دهه ۱۹۵۰، دولت بزرگ و بزرگ‌تر شده و کم‌تر زمینه‌ای از زندگی اجتماعی را می‌توان در نظر گرفت که در آن مداخله دولتی صورت نگیرد. تأمین اجتماعی و بیمارستان‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، صنعت، انرژی، محیط زیست، راه‌های ارتباطی، اشتغال، کشاورزی، دریاها و ارتباطات مخابراتی تشکیل دهنده برخی از این زمینه‌ها می‌باشند.

روش در سیاست‌گذاری عمومی مبین سبک تحلیل، نحوه‌های استدلال و ایجاد ارتباط دوری میان موضوعات کلی و زمینه‌های خاص عینی می‌باشد. همراه با روش، تحلیل‌گر سعی در تقسیم و ساده نمودن عملکرد پیچیده دولتی و بررسی و تفسیر علمی آن می‌نماید.

---

1. Grawitz

2. Object

3. Method

4. Kinsey

در حوزه سیاست‌گذاری عمومی، دو مدل تحلیل استراتژیک و تحلیل مرحله‌ای چارچوب‌های مناسبی را در این زمینه پیش‌رو گذاشته‌اند.

### ۷. ارزیابی سیاست‌گذاری‌های عمومی

اعمال و فعالیت‌های دولت‌ها منجر به چه نتایجی می‌گردند؟ سیاست‌گذاری‌های عمومی چه تأثیراتی در حوزه‌ای که اجرا شده‌اند، باقی می‌گذارند؟ سیاست‌های دولت در زمینه مبارزه با اعتیاد، اشتغال جوانان، مسکن، اقتصاد، فرهنگ، بهداشت و... که مستلزم هزینه‌های قابل توجه در بودجه ملی هستند تا چه حد انجام شده و به حل مشکل پاسخ داده‌اند؟

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، رفته‌رفته ارزیابی عملکرد دولت‌ها و سیاست‌های عمومی به وسیله دولت‌ها یا پارلمان‌ها، به ویژه در زمینه خط‌مشی‌های اساسی به گونه‌ای سیستماتیک صورت می‌پذیرد. در ایالات متحده آمریکا، اداره حسابرسی عمومی، زیر نظر کنگره به کنترل و ارزیابی کارایی دولت فدرال و دولت‌های ایالتی پرداخته و گزارش‌های این اداره به عنوان معیار تعریف بودجه برای طرح‌های مختلف دولتی به کار برده می‌شوند (لاک‌روبان، ۱۹۸۳). اگرچه برخی گزارش‌های اداره حسابرسی عمومی می‌تواند تأییدکننده طرح‌ها باشد و به ادامه آنها توصیه نماید، ولی غالباً کنگره گزارش‌هایی را ترجیح می‌دهد که به انتقاد از طرح‌های دولتی پرداخته یا در ارتباط با آنها نظر منفی ارائه می‌دهند تا بدین گونه ضعف‌های سیستم دولتی را روشن نماید (لاک‌روبان، ۱۹۸۳، ص ۶۲۵). چنین وضعی از یک‌سو در تفکیک قوا، تعادل ایجاد نموده و از سوی دیگر دولت‌های فدرال و ایالتی را نیز به ارزیابی سیاست‌های خود وامی‌دارد که مجموعه این فعالیت‌ها باعث بالا رفتن کیفیت خط‌مشی‌ها و نیز شمار بسیار بالای ارزیابی‌ها شده است (اریک مانیر، ۱۹۹۲، ص ۲۲). در فرانسه از ابتدای سال ۱۹۹۰، ارزیابی سیاست‌گذاری‌های عمومی با ایجاد نهادهای زیر رسمیت یافته است:

کمیته میان‌وزارتی ارزیابی، به ریاست نخست‌وزیر و عضویت وزرای اصلی (وزیر اقتصاد و دارایی، وزیر کشور، وزیر مسئول اصلاحات اداری، وزاری که دستور کار کمیته، مستلزم حضور آنها است). این کمیته مسئولیت توسعه و هماهنگی برنامه‌های دولت در زمینه ارزیابی و تعیین طرح‌های ارزیابی را به عهده دارد.

صندوق ملی توسعه ارزیابی، بودجه طرح‌های ارزیابی را که به تصویب کمیته فوق رسیده، تأمین می‌نماید.

شورای ملی ارزیابی، براساس فرمان ۲۲ ژانویه ۱۹۹۰ شورای علمی ارزیابی بایستی زمینه‌های توسعه روش‌های ارزیابی را هموار نموده و در خصوص ارزیابی به تعریف چارچوب‌های اصلی علمی و عملی بپردازد. شورای علمی ارزیابی متشکل از ۱۱ عضو می‌باشد که به وسیله رئیس جمهور و براساس صلاحیت‌هایشان در حوزه علوم اقتصادی، اجتماعی یا اداری و نیز ارزیابی سیاست‌گذاری‌های عمومی منصوب می‌گردند. شورا در زمینه ارزیابی دو گزارش ارائه می‌دهد: گزارش اول قبل از تصویب طرح ارزیابی و شرایط اجرای آن می‌پردازد. گزارش دوم که همزمان با نتایج ارزیابی منتشر می‌گردد، کیفیت مطالعات و تحقیقات انجام شده در زمینه ارزیابی را به تحلیل می‌گذارد.

اگرچه متخصصان سیاست‌گذاری عمومی و اداره امور دولتی در ارتباط با ضرورت ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها برای بهبود عملکرد دولت، افزایش کارایی آن و نیز ایجاد صرفه‌جویی در بودجه کشور هم عقیده‌اند، ولی این اتفاق نظر را نمی‌توان به تعریف آنها از ارزیابی و اهداف آن تسری داد.

#### ۸. ضروری‌ترین تدوین آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی

پیش از ارائه مراحل فرآیند تدوین آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی، با این پرسش روبه‌رو هستیم که چرا آینده‌پژوهی برای یک نظام سیاسی ضرورت دارد؟ در پاسخ باید گفت با توجه به فقدان هماهنگی میان نخبگان سیاسی، فقدان حس مشترک و سردرگمی پیرامون اهداف، نارضایتی از دستاوردها و روندهای موجود، فراهم شدن مبنایی برای مشارکت همگانی، زمینه‌سازی برای رسیدن به وضع مطلوب در مفاهیم سیاسی، آمادگی برای شرایط حاکم بر آینده و شناخت فرصت‌های پیش‌رو، ترسیم آینده‌پژوهی و شناخت از آینده ضرورت دارد.

در جمهوری اسلامی ایران، روش آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی و سیاست‌گذاری‌های عمومی به عنوان مصداق کاربردی، به این دلیل ضرورت دارد که از سال ۱۳۷۸ در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام برای هم‌جهت‌سازی سیاست‌های کلی، ضرورت ترسیم و تبیین یک افق روشن در آینده ایران مشخص شد.

## ۹. کاربرد آینده‌پژوهی در علم سیاست

اهمیت تصویر آینده<sup>۱</sup> به حدی است که آینده‌پژوهانی چون جیمز دیتور<sup>۲</sup> و فرد پلاک مدعی هستند تصویر آینده سنگ بنای آینده‌پژوهی بوده و در صورتی که سازمان، ملت و تمدنی تصویری از آینده نداشته باشد، محکوم به شکست است (دیتور، ۲۰۰۲). مفهوم یوتوپیا<sup>۳</sup> که در زبان فارسی آرمان‌شهر و ناکجاآباد برگردانده شده، یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با تصویر آینده مطلوب است.

به اعتقاد توماس اسپریگنز<sup>۴</sup>، آرمان‌شهر تجسم دانشمند و نظریه‌پرداز علم سیاست از جامعه بازسازی شده بوده و نمایانگر آینده است. وی تأکید می‌کند که نظریه‌پرداز علم سیاست آزاد نیست که در تصورات شیرین غرق شود. به عبارت روشن‌تر، این آینده‌اندیشی از جنس خیال‌پردازی و رؤیاگرایی نیست، بلکه به شدت با واقعیات مرتبط است. به عبارت روشن‌تر، تصویر آینده باید فرافکنی امکانات واقعی و قابلیت‌های حقیقی زندگی انسانی بوده و بر زندگی واقعی افراد در جامعه استوار باشد (اسپریگنز، ۱۳۸۵).

نکته حائز اهمیت آن است که تا اواخر قرن هجدهم، آرمانشهر بویژه در آثار افرادی مانند توماس مور<sup>۵</sup> به مکانی گفته می‌شد که از نظر جغرافیایی از جامعه موجود بسیار دور، اما از نظر زمانی با جامعه موجود همزمان بود. برای مثال، آرمانشهر مور در دورترین نقطه شناخته شده اروپا قرار داشت و مسافری خیالی، اغلب با کشتی به آن مکان دور دست که در آن افرادی عجیب و متفاوت با آدم‌های معمولی زندگی می‌کنند، سفر و برای مدتی در آنجا زندگی می‌کرد. سپس این مسافر به اروپا برمی‌گردد تا با هم‌نوعان خود درباره مردم، جامعه و فرهنگ آن آرمانشهر صحبت کند. در این تصویرپردازی مسافر خیالی، جامعه متعارف موجود را نقادانه ارزیابی کرده و آنچه را که هست، با آنچه را که ممکن بود باشد، یا می‌توانست باشد و در آرمانشهر به شکل متعالی وجود دارد، مقایسه می‌کند (بل، ۱۹۹۶).

- 
1. Image of future
  2. James Dator
  3. Utopia
  4. Tomas Spragens
  5. Thomas More

اما مصداق مفهوم آرمانشهر در پایان قرن هجدهم دستخوش تحول شد. این تحول ناظر بر گذار از مکان به زمان در مفهوم‌پردازی آرمانشهر بود. به عبارت روشن‌تر، موقعیت مکانی آرمانشهر تغییر کرد و به جای اینکه به مکان جغرافیایی دیگری در همان زمان اطلاق شود، به همان مکان، اما در زمان آینده اطلاق شد. از دیگر تحولات مرتبط با آرمانشهر، تقویت این اندیشه بود که تصویر آینده مطلوب دست‌یافتنی است و انسان می‌تواند با برنامه‌ریزی به آن برسد (بل، ۱۹۹۶).

از این‌رو، هارولد لاسول<sup>۱</sup>، از پیشگامان علم سیاست، ضرورت تصویرپردازی در حوزه علوم سیاسی را به منزله گامی مهم در دستیابی به آینده مطلوب مطرح کرد. او برای پیشبرد مقصود خود یعنی آمیختن علوم سیاسی با آینده‌پژوهی، پنج شرط زیر را در نظر گرفت (بل، ۲۰۰۳):

(۱) شفاف‌سازی اهداف و ارزش‌ها

(۲) توصیف روندها

(۳) تبیین شرایط

(۴) تصویرپردازی آینده‌های ممکن و محتمل در صورت تدام سیاست‌های کنونی

(۵) ابداع، ارزیابی و انتخاب گزینه‌های بدیل خط‌مشی‌ء.

علم سیاست ماهیتی آینده‌اندیش<sup>۲</sup> و آینده‌نگر<sup>۳</sup> دارد. به باور لاسول، تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌ء‌گذاری مقوله‌ای آینده‌گرا است. تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌ء‌گذاری مستلزم بر ساختن تصاویری از واقعیت‌های بدیل و سپس انتخاب یکی از آن تصاویر به منزله تصویر مطلوب است. از این‌رو، بسیاری از آینده‌پژوهان از قبیل وندل بل<sup>۴</sup> در بررسی ریشه‌های شکل‌گیری و تحول آینده‌پژوهی به‌مثابه علم، نقش علوم سیاسی و آموزه‌های این علم را پررنگ می‌دانند (بل، ۲۰۰۳).

1. Harold Lasswell

2. Prospective

3. Looking Forward

4. Wendell Bell

## ۱۰. آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری

روش‌های آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی بسیار به یکدیگر شبیه است. به همین دلیل در برخی موارد این دو واژه به عنوان مترادف به کار می‌روند. گروه کاری اتحادیه اروپا آینده‌نگاری را به صورت تمامی فعالیت‌های مربوط به تفکر درباره آینده، بررسی آینده و شکل دادن به آینده، تعریف می‌کند (هلگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). در عین حال آینده‌نگاری بیشتر در زمینه مطالعه آینده علم و فناوری و نیز مطالعه آینده شرکت‌ها رواج دارد. در سطح کلان و ملی و نیز در مسائل اجتماعی و سیاسی، واژه‌های آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. شاید به همین دلیل است که برخی آینده‌اندیشان، آینده‌نگاری را بخشی از آینده‌پژوهی می‌دانند (ناظمی و قدیری، ۱۳۸۴).

## ۱۱. آینده‌پژوهی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

آینده‌پژوهی، برنامه‌ریزی<sup>۲</sup> و سیاست‌گذاری، هر سه به نحوی به آینده و به سازمان یا نهادی می‌پردازد که یک مطالعه آینده‌پژوهی را پیش می‌برد یا برای توسعه خود برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌کند. اگرچه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، خود دو زمینه جداگانه هستند، اما در مقایسه با آینده‌پژوهی می‌توان آن دو را در یک سو و آینده‌پژوهی را در سوی دیگر قرار داد. برخی از تفاوت‌های کلیدی بین این مفاهیم به ترتیب زیر قابل ذکر است (عنایت‌الله، ۲۰۰۷):

دوره برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری (۱ تا ۵ سال) در مقایسه با دوره آینده‌پژوهی (۵ تا ۵۰ سال) کوتاه مدت است.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بیشتر به پیش‌بینی آینده می‌پردازند، درحالی‌که آینده‌پژوهی بیشتر متوجه به ساختن آینده است.

آینده‌پژوهان پرسش‌های اساسی‌تری را مطرح می‌کنند و حتی پیش‌فرض‌ها را زیر سوال می‌برند، در حالی که در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری معمولاً پیش‌فرض‌های اصلی سازمان از پیش پذیرفته می‌شوند.

1. HLEG

2. Planning

در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، عامل کلیدی مدیریت سازمان است، به طوری که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران عمدتاً تلاش می‌کنند تا اهداف مدیریت را در برنامه‌های آینده پیگیری کنند، در حالی که در آینده‌پژوهی دیگر ذی‌نفعان مورد توجه و بررسی ویژه قرار می‌گیرند.

بسیاری از مردم، بنگاه‌های کسب و کار و دولت‌ها به هنگام برنامه‌ریزی، حداکثر چهار الی پنج سال آینده را در نظر می‌گیرند، اما سیاست‌مداران تا انتخاب بعدی و بنگاه‌های کسب و کار تا پنج سال آینده. در زمانه‌ای که سرعت تغییر، سرسام‌آور است، لحاظ کردن آینده‌های دور بسیار مهم به نظر می‌رسد. در واقع آنچه امروز انجام می‌دهیم، در آفرینش دنیای پنج تا بیست سال آینده تأثیر بسزایی دارد. علی‌رغم پیوستگی و ارتباط گذشته، حال و آینده، تنها جایی را که می‌توان تغییر داد، همین امروز است.

دیدگاه سیستمی و جامع‌نگر درباره جایگاه ما در جهان، در حالی که اکثر مردم به ویژه در غرب، دنیا را همچون افراد و اشیاء منفک از یکدیگر می‌بینند. چنین دیدگاهی بیشتر مشخصه دوران صنعتی و تفکر مبتنی بر «فیزیک نیوتونی» است. در حالی که آینده‌پژوهان، جهان را متشکل از اجزاء به هم پیوسته و دائماً در حال تغییر می‌دانند.

## ۱۲. نتیجه‌گیری

آینده‌پژوهی بستر مناسبی را برای ساختن و خلق تصویر آینده مطلوب در مطالعات علوم سیاسی مخصوصاً سیاست‌گذاری عمومی فراهم می‌کند. آینده‌پژوهی همواره ذهن محقق علوم سیاسی را به آینده و گذار از وضع موجود معطوف می‌کند. رابطه آینده‌پژوهی به مثابه یک دانش میان‌رشته‌ای، با مطالعات سیاسی از منظرهای متفاوتی چون بومی‌سازی آینده‌پژوهی، چشم‌انداز و... قابل طرح است. در پاسخ به سوال این پژوهش که آینده‌پژوهی چه کاربردی در سیاست‌گذاری عمومی دارد؟ با توجه به مطالب بیان شده در خصوص آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری عمومی می‌توان گفت که در حالت کلی، آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری در یک راستا می‌باشند، با این تفاوت که در پیش‌فرض‌ها با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. به عبارت دیگر، اگر در سیاست‌گذاری‌های عمومی و برنامه‌ریزی‌ها، آینده‌پژوهی را دخیل کنیم، به نتایج و بازدهی بسیار بیشتری در نظام خواهیم رسید، زیرا آینده‌پژوهی به ساختن آینده می‌پردازد و سیاست‌گذاری نیز در بطن خود به دنبال همین

هدف است. حال اگر سیاست‌گذاری‌های عمومی یک کشور براساس نتایج به دست آمده از تحقیقات آینده‌پژوهان سازماندهی شوند، مطمئناً به پیشرفت و عملکرد کشور یا هر نوع سازمانی کمک شایانی خواهد کرد. از جمله کاربردهای مهم آینده‌پژوهی در امر سیاست‌گذاری شامل: اشتغال جوانان، روندهای آموزشی و یادگیری، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، محیط زیست، مسائل سیاسی و سیاست خارجی با کشورهای دیگر می‌باشد که نقش بسیار مهم و اساسی در سرنوشت هر کشور و دولتی خواهد داشت. آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی، محصول ارزش‌های اساسی است. بدین معنا که آینده‌پژوهی باید ریشه در ارزش‌های اساسی داشته باشد. این ارزش‌ها هرچند شامل اعتقادات و باورها می‌شود، ولی برای تبدیل به ارزش‌های اساسی، باید به صورت قانون درآمد و عام و فراگیر باشد.



## منابع

۱. ارسطو (۱۳۸۹). سیاست. ترجمه حمید عنایت. تهران: نشر نی.
۲. اسپریگنز، توماس (۱۳۸۵). فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: آگه.
۳. پایا، علی (۱۳۸۲). ملاحظاتی شتاب‌زده در باب معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی. در: علی پایا و حسین راغفر. ملاحظاتی شتاب‌زده در باب معرفت‌شناسی آینده‌اندیشی. نخستین کارگاه آینده‌اندیشی: معرفت‌شناسی. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۴. عبدالرحیم، پدram و همکاران (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی مفاهیم و روش. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری و دفاعی.
۵. ملکی‌فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵). الفبای آینده‌پژوهی. تهران: کرانه علم.
۶. منصوری، رضا (۱۳۷۷). عزم ملی برای توسعه علمی و فرهنگی. تهران: طرح نو.
۷. ناظمی، امیر؛ قدیری، روح‌الله (۱۳۸۴). آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا. تهران: مرکز صنایع نوین.
8. Bell, W. (1996). **Foundations of futures studies: What do we mean by futures studies?** In: Richard A. Slaughter. *New Thinking for a New Millennium*. London: Routledge.
9. Bell, W. (2003). **Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge (Human Science for New Era)**. London: Transaction Publishers.
10. Brewer, G.D. & DeLEON, P. (1983). **The foundations of policy analysis**. Horne wood, the Dorsey Press.
11. Dator, J. (ed) (2002). **Futures Studies in Higher education: Advancing Futures**. Westport CT: Praeger.
12. High Level Expert Group (2002). **Thinking the Future: Finla Report**. Available at: [www.efmn.info/kb/thinking-debating-shaping.pdf](http://www.efmn.info/kb/thinking-debating-shaping.pdf).
13. Inayatullah, S. (2007). **Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation**. Tamkang University Press, Graduate Institute of Futures Studies.
14. Jean-Claude, T. (1985). **L'analyse des politiques, in Madeleine Grawitz et Jean LECA, Traite de science politique**. Paris: PUF, Tome.
15. Lagroye, J. (1998). **Sociologie politique**. Paris: Presses de la FNSP & Dalloz.
16. Monnuer, E. (1992). **Evaluations de l'action des pouvoirs publics**. Paris: Economica.
17. Rouban, L. (1983). **Le General Accounting Office, recherché sur I 'evaluation des politiques publiques aux Etats-Unis**. These d'Etat en droit, Paris.

## References

1. Abdul Rahim, P. & et al. (2009). **Future Research concepts and methods**. Tehran: Future Center for Science, Technology and Defense Research. [In Persian]
2. Aristotle (2010). **Politics**. Translated by H.Enayat. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
3. Bell, W. (1996). **Foundations of futures studies: What do we mean by futures studies?** In: Richard A. Slaughter. *New Thinking for a New Millennium*. London: Routledge.
4. Bell, W. (2003). **Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge**

- (**Human Science for New Era**). London: Transaction Publishers.
5. Brewer, G.D. & DeLEON, P. (1983). **The foundations of policy analysis**. Horne wood, the Dorsey Press.
  6. Dator, J. (ed) (2002). **Futures Studies in Higher education: Advancing Futures**. Wesport CT: Praeger.
  7. High Level Expert Group (2002). **Thinking the Future: Finla Report**. Available at: [www.efmn.info/kb/thinking-debating-shaping.pdf](http://www.efmn.info/kb/thinking-debating-shaping.pdf).
  8. Inayatullah, S. (2007). **Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation**. Tamkang University Press, Graduate Institute of Futures Studies.
  9. Jean-Claude, T. (1985). **L'analyse des politiques, in Madeleine Grawitz et Jean LECA, Traite de science politique**. Paris: PUF, Tome.
  10. Lagroye, J. (1998). **Sociologie politique**. Paris: Presses de la FNSP & Dalloz.
  11. Malekifar, A. & et al. (2006). **The alphabet of Futurology**. Tehran: Karaneh Alam. [In Persian]
  12. Mansoori, R. (1998). **National determination for scientific and cultural development**. Tehran: New design. [In Persian]
  13. Monnuer, E. (1992). **Evaluations de l'action des pouvoirs publics**. Paris: Economica.
  14. Nazemi, A. & Ghadiri, R. (2005). **Futurism from Concept to Execution**. Tehran: New Industries Center.[In Persian]
  15. Paya, A. (2003). **Accelerated Considerations on Future Epistemology**. In: A. Paya & H. Raghfar. Hasty considerations on the epistemology of futurism. The first workshop on futurism: epistemology. Tehran. National Science Policy Research Center and Higher Institute of Management Education and Research and Planning. [In Persian]
  16. Rouban, L. (1983). **Le General Accounting Office, recherché sur I 'evaluation des politiques publiques aux Etats-Unis**. These d'Etat en droit, Paris.
  17. Sprigens, T. (2006). **Understanding political theories**. Translation of Rajai culture. Tehran: Agah. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2021.573034.1093

رضایی قادی، مهدی؛ رفیع، حسین (۱۴۰۰). بررسی کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری عمومی. سیپهر سیاست، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۸۵-۱۰۲.